

دوهفته نامه ی سرخط بسیج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

سال سیزدهم شماره ی ۱۴۳ نیمه دوم بهمن ۹۹

قیمت ۳۰۰ دقیقه وقت گرامی شما



استقلال آزادی
جمهوری اسلامی

فجر انقلاب



SARKHAT_JOURNAL



Pguavini



بهمن ماه ۱۳۹۹

وقایع:
6 بهمن: سالروز حماسه مردم آمل
7 بهمن: روز جهانی گبرک
8 بهمن: سالروز وفات حضرت ام البنین سلام الله علیها روز نکیریم مادران و همسران شهدا
12 بهمن: یادگشت حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) به ایران (1357 ه.ش) و آغاز دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی
14 بهمن: روز فناوری فضایی
15 بهمن: ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها (هشتم قبل از هجرت) و روز زن تولد حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) رهبر کبیر انقلاب اسلامی (1328 ه.ق)
19 بهمن: روز نیروی هوایی
21 بهمن: شکسته شدن حکومت نظامی به فرمان حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) (1357 ه.ش)
22 بهمن: نیروی انقلاب اسلامی و سقوط نظام شاهنشاهی (1357 ه.ش)
25 بهمن: صدور حکم تاریخی حضرت امام خمینی (ره الله علیه) مبنی بر ارتداد سلمان رشیدی نویسنده خائن کتاب آیات شیطانی (1387 ه.ش) و کشتن حضرت امام محمد باقر علیه السلام (57 ه.ق)
27 بهمن: شهادت حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام (234 ه.ق)
29 بهمن: قیام مردم تبریز به عاصبت چهلچین روز شهادت شهدای قم (1358 ه.ش) روز اقتصاد مقاومتی و کار آفرینی
30 بهمن: شب لیله الرفع



بسج دانشجویی دانشگاه خلیج فارس

نشریه بسج دانشجویی

Pguavini | SARKHAT_JOURNAL

برای ارتباط با ما، ارائه‌ی پیشنهاد و یا انتقاد از طریق فضای مجازی با ما در ارتباط باشید

دانشکده پردیس- طبقه اول-
سمت چاپ- انتهای راهرو

شناسنامه سرخط	صاحب امتیاز	مدیر مسئول	سر دبیران	طراح	هیئت تحریریه
بسج دانشجویی	محمد امین نورانی	محمد امین میرشکاری	سید امیر حمزه حسینی	حمزه کریمی، پیچک، شاکر داریزاد، حسین اسلامی، پویا حاجی زاده، سید میثاق هاشمی، محمد مهدی فرجی، متین خورشیدی، محمدرضا بنافیانی، فاطمه صفایی	

فهرست

- | | | |
|--------------------------------|------------------------------|---------------------------|
| ۳ واکاوی مسیر انقلاب (سرمقاله) | ۱۱ ویروس جهالت | ۱۲ اندر خم کوچه های مجازی |
| ۵ جهان اسلام | ۱۳ منهای | ۱۸ غبار روی شبیه |
| ۶ قانون گذاران قانون گریز | ۱۳ آموزش فجازی | ۱۹ گجیک خوان |
| ۷ افلاکیان خاکی | ۱۴ فرهنگ قسمت ۲ (پیران مدرن) | ۲۰ جدول |
| ۹ ویروسی که جا خوش کرده | ۱۵ درس تجربه | ۲۰ یک صفحه کتاب |
| ۱۰ غراس گردن مجازی | | |



”

بدگویی و بدزبانی در جامعه
باید جمع شود و **ادب**
اسلامی گسترش یابد.

“

رهبر انقلاب آیت الله سید علی حسینی خامنه ای - ۱۳۹۹/۱۱/۱۵



واکاوی مسیر انقلاب

سرمقاله

سخن

و اختناق سعی در ایجاد استبدادی به مراتب گسترده‌تر از پهلوی اول داشت. همزمان با این دوره که اغلب کشورهای دنیا رشد و شکوفایی اقتصادی را تجربه می‌کردند، ایران با اتخاذ سیاست خام فروشی به یک بازار پرسود برای کشورهای مقتصد تبدیل شد نابسامانی وضعیت موجود، و سرکوب مخالفانی که روح ملی‌گرایی و عقبه‌ی اسلامی داشتند جریان مخالفان حکومت شاهنشاهی را بیش از پیش قوت می‌بخشید.

روح الله موسوی، آیت الله خمینی، که پس از اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون و کشتار مردم از کشور تبعید شده بود، از فرانسه به کشور بازمی‌گردد و رهبری انقلاب را در دست می‌گیرد. اما آنچه به چشم می‌خورد پوست‌اندازی نظام حاکمیتی در ایران است. نه تنها تفکر، بلکه رویه‌ی مسئولان در کشور تغییر می‌کند. آنان که مردم، و با مردم زندگی می‌کردند. باید کاخ نشینی را رها می‌کردند و تا دیروز باید سینه چاک شاهنشاه می‌بودند حالا باید برای به اوضاع کوخ نشینان می‌رسیدند.

انقلاب ۵۷ پوست اندازی گسترده‌ای در بحث رونق سوادعمومی

خاورمیانه به دلیل دوری از کانون شکوفایی اقتصادی در قرون جدید و انقلاب صنعتی، منطقه‌ای بکر و دست نخورده باقی ماند و پس از جنگ‌های جهانی با توجه به نفوذ دولت‌های استعمارگر مورد توجه آبر قدرت‌ها واقع شد. ایران که توسط نیروهای متفقین اشغال شده بود در معرض بیشترین توجه‌ها قرار گرفت. این توجه به ایران باعث تشنج میان گروهک‌های وابسته به بریتانیا و شوروی سابق شد که جبهه ملی‌گرایان تحت رهبری آیت الله کاشانی و محمد مصدق سعی در ایجاد دولتی داشتند که به بیگانگان وابسته نباشد. گرچه اشتباه دکتر مصدق در اعراض از بریتانیا و روی آوردن به آمریکا باعث شد تمام تلاش‌های ملی‌گرایان بر باد رفته و پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲، نمایی متفاوت از سلطنت مستبد پهلوی در ایران شکل بگیرد. پهلوی دوم که بارها با دستکاری قانون اساسی کشور در راستای تسطیح مسیر خود برآمده بود، پس از کودتا با ایجاد جو سرکوب

ادامه صفحه بعد

و آموزش و بهداشت، سازندگی و همچنین افزایش خرد جمعی داشت، اما مخالفان بیرونی ضمن تحمیل جنگ‌های متعدد نظامی و اقتصادی، سعی در اخلاص در این حرکت داشتند. اما مسئله این دشمنان بیرونی نیست!

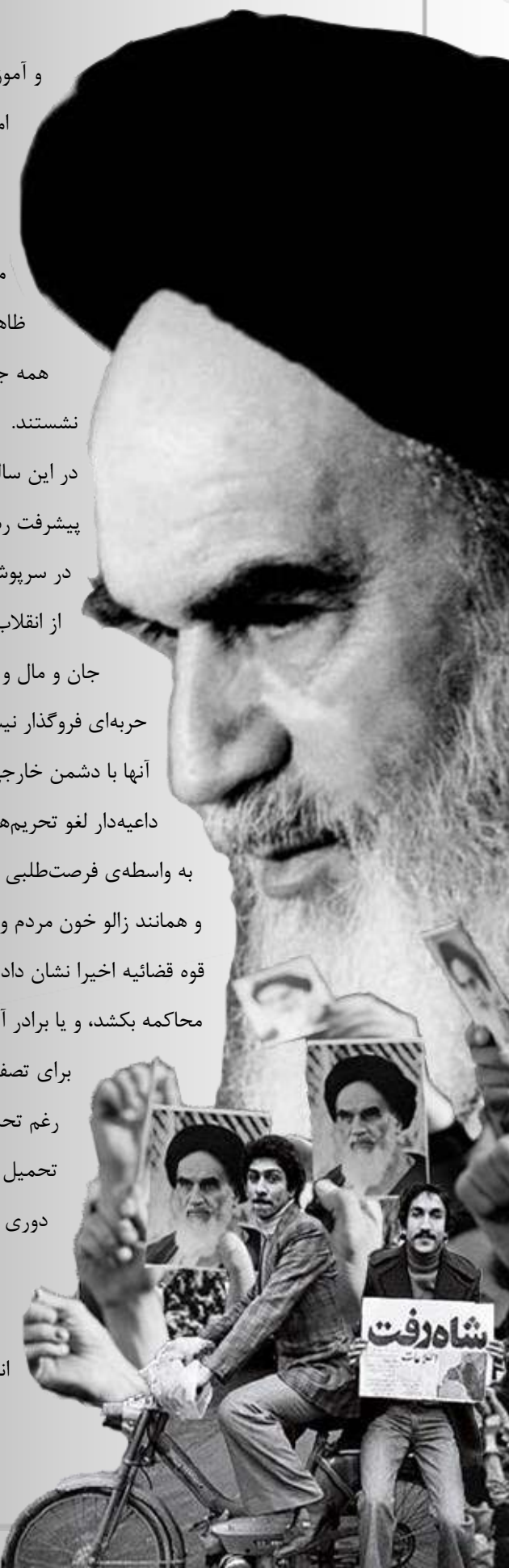
مسئولانی که هنوز خوی سلطنتی و اشرافی را حفظ کرده، و با ظاهری آلوده به ریا تظاهر به انقلابی‌گری می‌کردند، با رخنه و رسوخ همه جانبه در نیروهای انقلابی منتظر فرصت زمینه‌های بروز و خروج نشستند.

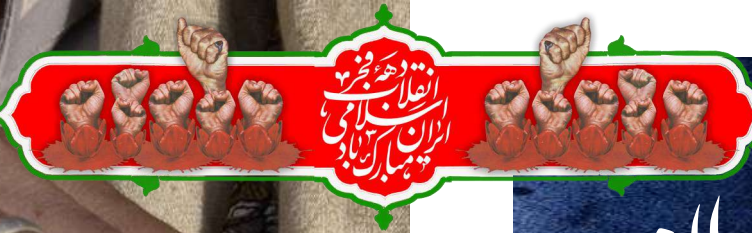
در این سالها، دم خروس اشرافیت بارها بیرون زده است، اما تنها به واسطه پیشرفت رسانه‌ها، و قبضه‌ی فضای رسانه‌ای کشور توسط این جریان، سعی در سرپوش بر فعالیت‌های خود دارند. این زالو صفت‌ها نه از مردماند و نه از انقلاب؛ اما چهره‌ی انقلاب را در میان مردم زشت خواهند کرد. حب جان و مال و منالشان بسیار است و برای ارضای شهوت قدرت‌طلبی از هیچ حربه‌ای فروگذار نیستند.

آنها با دشمن خارجی دست به یکی می‌کنند تا مردمشان را تحریم کنند، سپس داعیه‌دار لغو تحریم‌ها می‌شوند. آنها نه خادم ملت، که فخر فروشند و سال‌هاست که به واسطه‌ی فرصت‌طلبی با چهره‌ای کریه و عوام فریب در بطن سیاست کشور ورود کرده، و همانند زالو خون مردم و مملکت را می‌مکند.

قوه قضائیه اخیرا نشان داده است برایش فرقی نمی‌کند دادستان دوستی بلد را پای میز محاکمه بکشد، و یا برادر آقای سلطان یادآوری! اما آنچه مسلم است اینکه تلاش یک قوه برای تصفیه‌ی حاکمیت از مسئولان نالایق کافی نیست، و مردم نیز علی‌رغم تحمل فشارهای اقتصادی و جنگ‌های اعصاب باید سعی کنند از تحمیل اشخاص عوام فریب در انتخابات‌ها به جامعه‌ی سیاسی کشور دوری کنند. به علاوه تصویب قانون شفافیت آراء نمایندگان گامی مهم در راستای همکاری قوه مقننه با قوه قضائیه در مبارزه با فساد خواهد بود.

انقلابی‌گری به مبارزه با فساد است، نه به سازگاری با آن.





جهان اسلام

نویسنده: مجید مهدی فرجی



مداخله نظامی در یمن به تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۱۵ میلادی برابر ۶ فروردین ۱۳۹۴ با حمله هوایی ائتلافی از کشورهای منطقه با رهبری عربستان سعودی که به نام طوفان طبیعت شکل گرفت. ائتلافی تحت عنوان سنی-عربی برای ضربه زدن به ایران! عربستان به تنهایی توانایی مقابله با ایران را ندارد و بن سلمان نقش صدام در اوایل انقلاب را داراست.

عربستان در صورت حمله به ایران با واکنش همپیمانان ایران در منطقه مواجه خواهد بود که یکی از این گروه‌ها، حوثی‌های یمن است که توانایی بستن تنگه باب‌المندب را دارد. لذا تصمیم به تضعیف همپیمانان ایران در منطقه را گرفتند؛ عربستان مسئول حمله به حوثی‌های یمن شد که ظرف ۵ الی ۶ ماه کار یمن تمام شود و بعداً سراغ ایران بیایند و داعش هم کار سوریه را آن طرف یکسره کند و سپس سراغ حزب‌الله لبنان بروند تا همسویان ایران دیگر توانایی کمک و حمایت از ایران را نداشته باشند ولی قدرت لایزال الهی اجازه این کار را نداد. یمنی‌ها با پای برهنه و یک کلاشینکف در برابر ۵۰۰ میلیارد دلار تسلیحات خریداری شده عربستان از آمریکا، ائتلاف سنی-عربی-آمریکایی را تا بدین لحظه خنثی کرده‌اند.

در یمن هر ۱۰ دقیقه یک کودک به علت گرسنگی می‌میرد. در جهان اسلام یمن نقش حیاتی را ایفا می‌کند. دشمنان فعلاً در سوریه شکست خورده‌اند و تمام تمرکز خود را روی یمن گذاشته‌اند ولی یمنی‌ها کوتاهی نمی‌کنند.

در سال ۲۰۱۹ با حمله پهبادی یمنی‌ها به تأسیسات نفتی آرامکو در بقیق و خریص توان تولید نفت خام عربستان به نصف کاهش یافت و ضربه سنگینی به عربستان وارد شد.



قانون گذاران قانون گریز

نویسنده: علی عمرانی

لازم است مسئولان بدانند که موقعیت آنها، برای آنها نسبت به سایر شهروندان برتری نمی‌زاید. با هیچ خط‌کش و مقیاسی از دیگری، انقلابی‌تر و پایبندتر به نظام نیستند، و هر اشتباه کوچکی از سوی آنان، بیش از اشتباهات مردم عادی به چشم آمده و به نظام اسلامی ضربه می‌زند. ضروری به نظر می‌رسد آقای عناستانی توجیه باشند پس از هر اشتباه، ضمن دوری از هرگونه عامه فریبی در فضای مجازی، با پذیرش اشتباه خود از مردم عذرخواهی، و آماده قبول عواقب آن باشد.

متأسفانه نرده‌های مصونیت مسئولان به ایشان، این آرامش خاطر را داده است که می‌توانند هر گونه می‌خواهند رفتار کنند، و از زیر بار آن شانه خالی کنند. نکته جالب این است که اغلب مسئولان خود را از مسئولیت‌پذیری مبری و بی‌نیاز از پاسخگویی می‌دانند. گویی که مسئولیت، زیوری است که به آنها محول می‌شود، و پس از مدتی آن را همانطور که تحویل گرفته‌اند (بلکه پر

نقص‌تر)، به دیگری می‌سپارند. فارغ از هر گونه جهت‌گیری سیاسی، جبهه انقلاب به هیچ گروهی باج نمی‌دهد، و از تمام آحاد فعال در عرصه‌های سیاسی، و ارگان‌های دولتی و لشکری، تمکین به قانون اساسی، و رعایت حقوق شهروندی را توقع دارد.

تکبر و تبختر مسئولان در برابر مردم بیش از پیش نمایان شده است. در فروردین ماه ۱۳۹۶، عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی وقت، با پرت کردن میکروفون یک خبرنگار زن، خبرساز شد. پنج ماه بعد حمدالله کریمی در درگیری با یک افسر راهور، بینی او را شکست!

یک سال بعد فیلمی از باسط درازهی، نماینده‌ی مجلس در حین فحاشی به کارمند گمرک منتشر شد که در عین ناباوری، وزیر صمت در مجلس شورای اسلامی از این نماینده عذرخواهی، و علی‌لاریجانی نیز از او دلجویی کرد! اما این پایان ماجرا نبود و شریعتی استاندار خوزستان، در برخورد با یک شهروند معترض، از لفظ بی‌ترتیب و ضدنظام استفاده کردقاضی زاده هاشمی، وزیر سابق بهداشت هم در پاسخ به مطالبات فرماندار بدره (از توابع ایلام) گفته بود: غلط کردی که نماینده‌ی مردمی!

همین دو ماه پیش هم بازپرس بابلی، به واسطه اینکه سرباز دادگستری او را نشناخته بود، به صورتش سیلی نواخت. اینک در آغاز بهمن ماه آخرین سال قرن، خبر سیلی خوردن یک سرباز راهور، از سوی نماینده‌ی خاکی مجلس، مخابره شد. نکته‌ی دردناک استفاده‌ی مسئولان از رسانه‌های تحت اختیارشان برای دفع هجمه‌هایی‌ست که علیه‌شان به راه می‌افتد! به عنوان نمونه آقای شریعتی پس از بحران بی‌آبی خوزستان و مسأله غیزانیه، به جای رسیدگی به این منطقه، از تریبون صداوسیما سراسری با مردم سخن گفت!

عزیزان، تنها مدافع یک مقام مسئول عملکرد اوست؛ نه سیاهه لشکر موافقان و هواخواهان!

گرچه یارکشی‌های حزبی و ایجاد چندقطبی جریان‌ی و به علاوه، پیشرفت تیم‌های رسانه‌ای وابسته به جریان‌ها در فضای مجازی، باعث بیشینه شدن هجمه‌های شخصیتی در رسانه‌ها و پیام‌رسان‌ها شده است، اما چنانچه مسئولی خلاف اخلاق و قانون رفتار کند، لازم است قوه قضاییه و دستگاه‌های نظارتی، ضمن نادیده گرفتن موقعیت و جایگاه این اشخاص به اتفاق ورود کرده، و از کیان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی دفاع کند.





افلاکیان خاکی

نویسنده: محمد رضا باقاییان

تروریستی سعی در برهم زدن امنیت کشور را داشتند و همچنین محسن رضایی که در حال تشکیل اطلاعات سپاه بود، به دنبال نیرو می‌گشت. یک روز آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) با محسن رضایی تماس می‌گیرند و جوانی را برای همکاری با اطلاعات سپاه به او معرفی می‌کنند. پس از آنکه محسن رضایی با وی به صحبت می‌نشینند، در او استعدادی عجیب می‌بینند. از همین رو با همکاری او در اطلاعات سپاه موافقت می‌کند و نام حسن باقری را برای او برمی‌گزینند و از همین جاست که نام غلامحسین افشردی به حسن باقری تغییر می‌کند.

زمانی که رژیم بعثی عراق به ایران حمله کرد، حسن باقری رهسپار جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شد. پس از مدتی، با بروز لیاقت و خصوصیات منحصر به فرد خود در ردیف فرماندهان سپاه قرار گرفت.

حسن باقری، برخلاف بسیاری از مبارزان که دارای نام‌های مشهوری نیز بودند، تفنگ به دست نگرفت و به مقابله با تانک‌های دشمن نشتافت. او راهی دیگر برگزید و این مسیر متفاوت و استثنایی، آغاز راهی بود که درباره آن بسیار گفته شده است. بهترین کار را در شناسایی دشمن دانست و در این راه، تجربیات کوتاه مدت در واحد اطلاعات سپاه پاسداران، روزنامه‌نگاری و... به کمکش آمدند. گویی دست تقدیر، غلامحسین افشردی را به راه‌هایی کشانده بود که در جنگ از او، «حسن باقری» را بسازد!

به علت بیماری مادر، هفت ماهه و با سختی به دنیا آمد. روز تولدش مصادف با سالروز میلاد امام حسین (ع) بود. همین موضوع، بهانه خوبی برای مادر بود که نذر کند اگر بچه سالم ماند، نامش را «غلامحسین» بگذارد.

از همان نوجوانی، حضور فعالی در هیئت و مسجد محله داشت. در دوران دبیرستان، دوستانش را با خود به منزل می‌برد تا بر روی مسایل فرهنگی و اخلاقی آنان کار کند.

نتیجه شرکت وی در کنکور، قبولی در هشت دانشگاه از جمله دانشگاه قضایی قم بود. اما قید این رشته‌های ممتاز را زد و رشته کشاورزی و دامپروری در دانشگاه ارومیه را انتخاب کرد. مادرش درباره دلیل این تصمیم می‌گوید: او معتقد بود در رژیم طاغوت نمی‌شود قضاوت عادلانه کرد و همچنین دوست داشت از محیط آلوده تهران به ویژه وضع حجاب زنان، به دور باشد.

با اساتید دانشگاه مدام بر سر مسائل سیاسی، درگیری لفظی پیدا می‌کرد تا آن جا که با دستکاری در نمره‌هایش او را از دانشگاه اخراج کردند تا اجباراً راهی خدمت سربازی شود.

بعد از فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر فرار سربازها، وی هم از پادگان فرار کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تصمیم به تحصیل در رشته علوم انسانی گرفت و با رتبه ۱۰۴ در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران قبول شد. در کنار تحصیل، کار در روزنامه جمهوری اسلامی را هم شروع کرد. ورود به عرصه خبر و فعالیت در روزنامه جمهوری اسلامی موجب شد تا اطلاع دقیقی از اوضاع کشور در عرصه‌های مختلف به دست آورد. در این زمان، گروهک‌های ضدانقلاب با

اقدامات



ادامه صفحه بعد



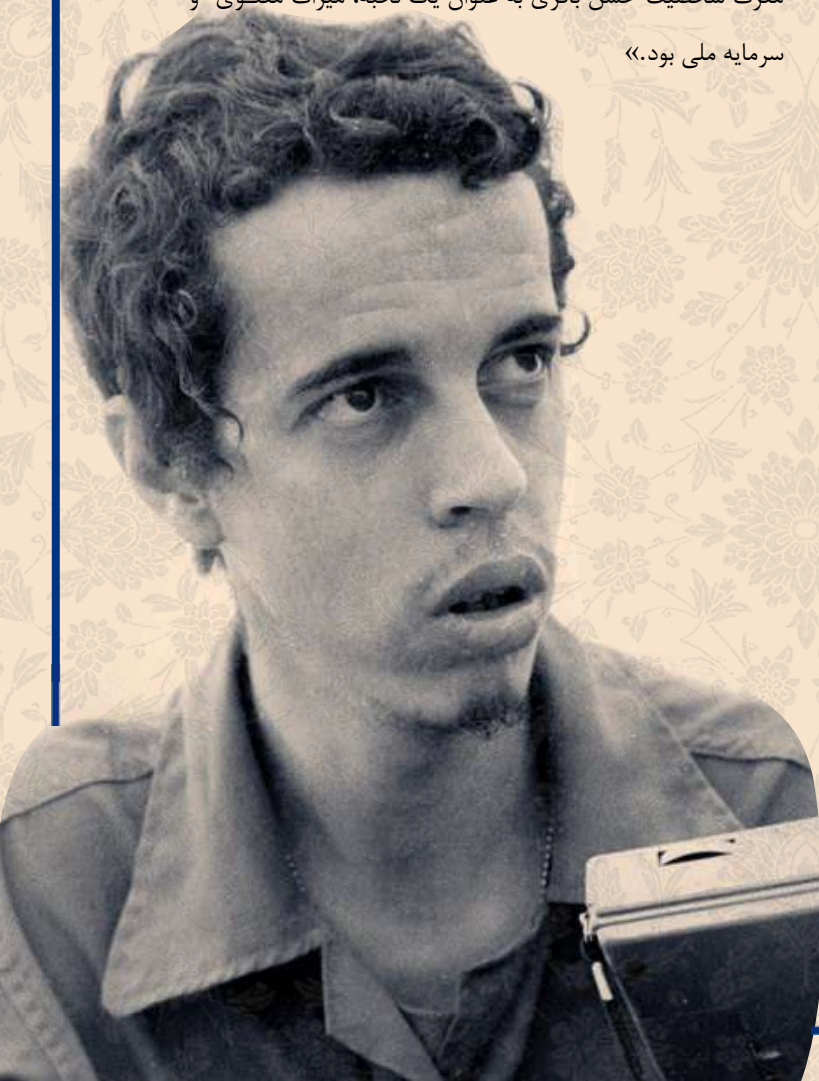
او یک اتاق را به عنوان اطلاعات نظامی انتخاب کرد. نقشه‌های منطقه را دور تا دور دیوار چسباند و آخرین اخبار نبرد را روی نقشه پیاده کرد. ابتدا خودش و چند نفری که به او ملحق شدند، با موتور، ماشین و هر وسیله‌ای که داشتند، به محورهای ورودی دشمن می‌رفتند و به جمع‌آوری اطلاعات می‌پرداختند. بلافاصله ارتباط با مراکز مختلف در استان خوزستان و تهران برقرار شد تا اطلاعات رد و بدل شود. هنوز یک هفته از شروع جنگ نگذشته بود که این اتاق، مهمترین منبع اطلاعاتی به شمار می‌رفت. آن‌ها می‌توانستند بفهمند دشمن در کجاست، چه تعداد نیرو دارد، هدفش چیست، برای چه آمده است، تا کجا می‌خواهد برود و...!

همان چیزهایی که او در دوره کوتاه روزنامه نگاری آموخته بود! گویی تمام تجربیات گذشته برای چنین روزهایی اندوخته شده بود. سرلشکر رحیم صفوی یکی از فرماندهان وقت سپاه به نقل از مقام معظم رهبری از نخستین دیدارشان با شهید حسن باقری این طور روایت می‌کند: «تا شما اشاره کردی که حسن پاشو برو، من دیدم یک جوان لاغر اندام پاشد! بدون اینکه سر و ریش و محاسنی داشته باشد. من دلم ناگهان ریخت. با خودم گفتم: حالا این بنی صدر و این‌ها نشسته‌اند این جوان چه می‌خواهد بگوید؟ تا آمد پای تابلو، آنتن را گرفت و شروع کرد، وضعیت دشمن را منطقه به منطقه تشریح کردن که: دشمن اینجا چند تانک دارد، اینجا چه تیپ و لشکری مستقر است، آنجا خاکریز زدند، اینجا میدان مین و آنجا سیم خاردار ایجاد کرده‌اند. هر چه زمان می‌گذشت، قلبم روشن‌تر و چهره‌ام بازتر می‌شد، مثل یک روحانی که مثلاً وقتی پسرش می‌خواهد منبر برود و نگران است که آیا می‌تواند از عهده این منبر برآید یا نه. من چنین حالی داشتم اما هر چه بیشتر صحبت می‌کرد من قیافه‌ام بازتر می‌شد. او در آن جلسه چنان گزارش دقیق، مصور و خوبی ارائه داد که همه حضار از جمله بنی صدر به شگفت درآمدند که این جوان این اطلاعات جالب را از کجا آورده‌است.»

همچنین حاج قاسم سلیمانی درباره وی چنین گفته است: «حسن واقعاً یک رهبر بود. تعبیرم این است که او بهشتی جنگ بود؛ یعنی همان نقشی که مرحوم بهشتی برای انقلاب و امام داشت، حسن باقری همان نقش را برای جنگ و جبهه داشت. قطعاً همه فرماندهان قدیمی جنگ نظرشان این است که اگر حسن زنده می‌ماند، در وضعیت جنگ قطعاً تأثیر داشت. او پرورش دهنده همه ما بود.»

در نهایت او در نهم بهمن‌ماه سال ۶۱ و در شرایطی که برای تکمیل کار شناسایی جهت انجام عملیات والفجر مقدماتی به فکّه آمده بود، در پشت یکی از سنگرهای دیده بانی به همراه جمعی از فرماندهان به شهادت رسید.

امام خمینی (ره) پس از شهادت حسن باقری، روی عکس وی نوشتند: «خداوند شهید شب زنده دار ما را با شهدای صدر اسلام محشور فرماید. اگرچه نمی‌توان با اندک اطلاعات به روی کاغذ، معرف شخصیت حسن باقری به عنوان یک نخبه، میراث معنوی و سرمایه ملی بود.»





ویروسی که جا خوش کرده

نویسنده: پویا حاجی زاده

پس راه چاره داخل این شرایط همون رعایت توصیه‌های متداول مثل شست‌وشوی مرتب و کامل دست‌ها، ماسک زدن، رعایت فاصله گذاری و موارد این چنینه که دیگه همه مردم دنیا ازش مطلع هستن.

از دست دادن دو تن از فوتبالیست‌های مطرح کشور، مهرداد میناوند و علی انصاریان، گواه و شاهدینه که هنوز مثل قبل باید این ویروس رو جدی بگیریم و مثل گذشته و حداقل بخاطر عزیزانمون پروتکل‌ها را رعایت کنیم تا رفته رفته و یواش یواش شر این ویروس منحوس از سر مردم دنیا کم بشه.

بعد از گذشتِ یه سال از شیوع ویروس منحوس کرونا، هنوز که هنوز و تا به این لحظه و این روز نه درمان قطعی و نه واکسن قطعی برا این ویروس یافت نشده و کشورهای مختلفی تو نقاط مختلف جهان واکسن‌های احتمالی را برای درمان این ویروس ساختن؛

اما هنوز واکسن یا داروی صددرصدی برای این بیماری ساخته نشده. این ویروس مرگبار هیچ تبعیضی بین گروه‌های مختلف بشری قائل نمیشه و با همه به یه شکل برخورد میکنه! تفاوتی هم بین فقیر و ثروتمند، حاکم و محکوم، ستمگر و ستمدیده، مافوق و زیردست، آدم معروف و معمولی و... وجود نداره.

اپیدمی کرونا با پیروان همه‌ی مذاهب و ادیان هم برخورد یکسانی داره و از هیچ کیش و آیین معینی جانب‌داری نمی کنه. پس اگه رعایت نکنی، گرفتی!

پیشگیری از بحران، سریع تر، مقرون به صرفه تر و موثرتر از مقابله پس از وقوعه ویروسی که در اولین روزها، فکر می‌کردیم زود رختشو ببندد و بره، دست از سر مردم برداره اما ظاهراً خُلف وعده کرده و هر روز با شکل جدیدی به جون انسان‌ها چنگ می‌زنه و سالمند و جوان و کودک هم نمی‌شناسه.

اخیرا اولین محموله واکسن اسپوتنیک، ساخت روسیه وارد کشورمون شده، اما تا تمامی تست‌ها و آزمایش‌ها و نتایج مشخص نشه نمی‌تونیم از قطعیت این واکسن هم مطمئن باشیم.





مُشتی(یک سری) استادی دیگه هم خا تو درسی عمومی
گردوخاک راس (به پا) کردن..ای گردوخاکی که میگویم به چی در
حدِ تورنادو منظورُمنا..سی دو واحد اندیشه و معاد یا تاریخ تحلیلی
هر هفته باید یه ساعت جلسه آنلاین، یه ساعت ویس، تستی سایت
نهاد رهبری، کوییزی خود استاد و از همه مهمتر امتحانی میانترم و
پایانترم بگذروندیم!خونتون آباد خا می جنگن چه!!همش دو واحدین
جون! فقه دو واحدنا ..چخبرررررررتتن استاده گرداری؟؟



ویروس جهالت

نویسنده: حمزه کریمی

جان خود را بلکه جان مردم کشورمان را هم به خطر بیاندازند. ماجرا تا جایی ادامه پیدا کرد که رهبر انقلاب صراحتاً اعلام کردند: ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است و به فرانسه هم خوش بین نیستند.

سخنان رهبری برخلاف آنچه در فضای مجازی گفته می‌شد کاملاً دلسوزانه بود. آمریکایی که شدیدترین تحریم‌ها را در همه زمینه‌ها بر کشور ما اعمال کرده است، آمریکایی که پانسمان بیماران پروانه ای ما را تحریم کرده است، آن کشوری که هنوز که هنوز است آثار سلاح‌های شیمیاییش در زمان جنگ رزمندگان و مردم ما را زجر می‌دهد، حال دلسوز ما شده است؟!

انگلیسی که سابقه طولانی در قتل، غارت و تجاوز به خاک کشورمان دارد حال قابل اعتماد شده است؟! فرانسه ای که در قالب کمک به بیماران هموفیلی، خون‌های آلوده ای به کشورمان صادر و برای اولین بار ایدز را وارد کشورمان می‌کند، حال باید به او خوشبین باشیم؟!

آنان که دائم ما را به خواندن تاریخ و عبرت گرفتن از آن توصیه می‌کنند، چرا اکنون تاریخ را از یاد برده اند؟!

کشوری که ادعا می‌کند به واکسن دست پیدا کرده، منطقی‌ترین حالتش این است که آن واکسن، در ابتدا، دوی درد خودشان باشد. وقتی ما ادعا داریم در زمینه دفاعی حرفی برای گفتن داریم، لازمه باور آن، نمود این قدرت در امنیت کشورمان است. که اگر اینگونه نبود، دشمنان ما از قدرت موشکی و منطقه ای ما هرگز هراس به دل راه نمی‌دادند.

ماجرا آنجا جالب می‌شود که تلفات واکسن فایزر در آمریکا، پرستاران

حدود یکسال از شیوع ویروس کرونا می‌گذرد. مهمان ناخوانده‌ای که در زمان کوتاهی تمام جهان را فراگرفت. شیوع این بیماری نه تنها بر معاملات اجتماعی و مسائل بهداشتی اثر گذاشت بلکه سبب شد کسب و کار مردم کم رونق و وضع معیشتی آنها سخت شود. از همان ابتدای شیوع ویروس کرونا، شرکت‌ها و نهادهای علمی مدعی در زمینه داروسازی، تحقیقات خود را برای ساخت واکسن کرونا آغاز کردند.

شرکت آمریکایی فایزر با مشارکت بایون‌تک آلمان، شرکت آمریکایی مدرنا، شرکت دارو سازی سینو فارم چین، پژوهشگران دانشگاه اکسفورد، دانشمندان کشور روسیه و همچنین دانشمندان کشورمان ایران، از جمله اولین کشور هایی بودند که پیشرو در این زمینه شدند.

وقتی شرکت فایزر اعلام کرد به تولید واکسن کرونا دست پیدا کرده و آمادگی صادر کردن محصول خود را به جهانیان دارد، بسیاری از کشورها به امید ریشه‌کن شدن کرونا در کشورشان، دست به دامن این شرکت شدند.

از کشورهای اروپایی، تا کشورهای حاشیه نشین خلیج همیشه فارس.

در کشور ما نیز مطالبه واکسن با هشتگ #واکسن-بخرید آغاز شد و با حمایت سلبریتی‌ها در دنیای مجازی قوت گرفت. آنها می‌گفتند: واکسن بخرید غافل از آنکه این واکسن در کدام شرکت و با چه سابقه ای ساخته شده یا توسط چه کشوری صادر می‌شود.

گویی تنها نام واکسن، برایشان کافی بود که آنرا بپذیرند و نه تنها

را نگران کرده است.

مدتی بعد از سخنان رهبری روزنامه گاردین نوشت: انتشار وسیع اخبار مرگ و میر افرادی که فایزر را دریافت کرده‌اند، منجر به استیصال برخی کشورها برای آغاز واکسیناسیون شده است. از جمله آن کشورها می‌توانیم به استرالیا، ژاپن، نیوزلند و تایوان اشاره کنیم.

این‌ها همه در حالی است که واکسن ساخت کشورمان بدون هیچ عارضه‌ای با موفقیت، تست انسانی خودش را پشت سر گذاشته و در مقابل ویروس جهش یافته انگلیسی هم مقاوم است. این روزها که مردم ایران داغدار از دست دادن مهرداد میناوند و علی انصاریان، دو فوتبالیست و چهره محبوب کشور بر اثر کرونا هستند، عده‌ای بیان کرده‌اند نبود واکسن، دلیل مرگ آن‌ها می‌باشد و اگر ایران واکسن را وارد می‌کرد، این اتفاق نمی‌افتاد. آنها یا نمی‌دانند یا خودشان را به ندانستن وا می‌دارند چرا که اولاً دو سه ماه، برای همگانی شدن و اعتماد به یک واکسن زمان بسیار کمی است.

از ۸ میلیارد جمعیت جهان، تنها ۱ درصد واکسن کرونا دریافت

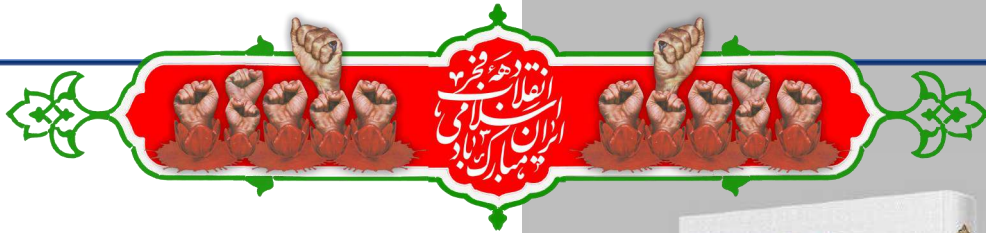
کرده‌اند که اکثراً هم دوز اول بوده و عملاً تأثیری ندارد. دوماً حتی در صورت وارد شدن واکسن، طبق چیزی که در همه جای دنیا مرسوم است، اولویت با کادر درمان، افراد بالای ۶۵ سال و برخی بیماری‌های خاص می‌باشد که در این صورت نیز شامل آنها نمی‌شد و تأثیری نداشت.

در انگلیس بیمار دیابتی ۴۲ ساله، ۳ تا ۶ ماه برای تزریق واکسن باید صبر کند.

به نظر می‌رسد کسانی که این صحبت‌ها را بیان می‌کنند، بیش از ناراحتی برای از دست دادن این دو عزیز، دنبال بهره بردن از مرگ آنها، سوء استفاده از احساسات مردم و تحریف واقعیات می‌باشند.

ما نباید از کسانی فریب بخوریم که کیلومترها آنطرف‌تر، در رفاه کامل به سر می‌برند و به دنبال ایجاد تفرقه بین مردم کشورمان هستند.

حال که با رعایت کردن پروتکل‌ها، کرونا در کشورمان روند نزولی پیدا کرده، با توجه به پیشرفت و نتایج بسیار خوب واکسن ایرانی، به زودی شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود، اگر باهم باشیم.



آموزش مجازی

نویسنده: پیچک

این روزها هرچند تاریخ امتحانات دانشجویان به پایان رسیده، اما هستند اساتیدی که به مصاحبه تصویری با دانشجویان بعد از امتحان پایانی می‌پردازند درحالی که از نمرات دانشجویانشان شوکه شده‌اند!!!

کیفیت و کارایی دو ترمی که به علت شیوع ویروس کرونا به صورت مجازی گذشت، در بعضی از دروس بهتر و در بعضی از دروس به شدت بدتر شد.

البته هراز گاهی اساتید و عده ای از دانشجویان، آموزش مجازی را کسل کننده، سخت و طاقت فرسا می‌نامیدند.

نگارنده قصد اینکه آموزش مجازی را خوب یا بد جلوه دهد را ندارد، اما آموزش مجازی در کنار دوری ما از هم دیگر به علت شیوع ویروس کرونا، مزیت هایی را هم ارائه داد و باعث شد دانشگاه ها به سمت مکانیزه شدن پیش روند. البته ساختار فرسوده موجود اجازه نداد تمامی دانشجویان از تدریس بهترین استاد های کشور و یا حتی جهان استفاده کنند که این یک امتیاز منفی برای وضع موجود بود. ناگفته نماند در این ترم، اساتیدی بودند که با تدوین کردن پاورپوینت، پی دی اف و جزوه، به راحتی کار دانشجویان را کمک کردند و جلوی اِتلاف وقت را گرفتند.

بعضا گله و شکوه ای هم از سوی برخی ها دیده می‌شد که محتوایش این بود که هیچگونه سلیقه و تطبیق پذیری با آموزش مجازی صورت نگرفته و آموزش ها به شکل کاملاً سنتی و بدون هیچ خلاقیتی از استاد مربوطه به بدترین شکل ممکن ارائه شد. در پایان امتحانات نیز دانشجویان با اعتراض های شدید خود این را که اساتید محترم بعضا با سختگیری های غیر قابل توجیه به دنبال برنامه ای برای کم کردن نمرات دانشجویانشان بودند بیان کردند. هرچند اساتیدی نیز با ارائه شیوه های مختلف، دانشجویان را ترغیب به درس خواندن و ارائه مفید داشتند که ما از همه اساتیدی که به دانشجویان اهمیت، و زندگی و انسانیت را سرلوحه خود قرار می دهند کمال تشکر داریم.



نویسنده: سید میثاق هاشمی

خطبه ۱۲۲

وَمِنْ كَلَامِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَهُ لِلخَوَارِجِ، وَقَدْ خَرَجَ إِلَى مَعْسَكِهِمْ وَهُمْ مَقِيمُونَ عَلَى انْكَارِ الْحُكُومَةِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:... هنگامی که خوارج در مخالفت خود با مسأله حکمیت، پافشاری کردند امام علیه السلام به لشکرگاه آنان رفت و این خطبه را ایراد فرمود:...

همان گونه که در بالا آمد، این خطبه، بخشی از سخنان امام علی علیه السلام قبل از جنگ نهروان را بازگو می‌کند، که امام علیه السلام به عنوان اتمام حجت برای آنها ایراد فرمود و سخنان امام علیه السلام بسیار مؤثر واقع شد به گونه‌ای که اکثریت خوارج توبه کردند و از جنگ کناره گیری نمودند.

امام (ع) در این سخنان حساب شده، نخست آنان را به دو گروه تقسیم نموده و صفوفشان را از هم جدا می‌کند: کسانی که در صفین حضور داشتند و کسانی که حضور نداشتند.

در بخش دوم، روی سخن را به صفینیان کرده و به آنها یادآور می‌شود: شما بودید که مسأله حکمیت را بر من تحمیل کردید، در حالی که من به شدت با آن مخالف بودم و شما را دستور به ادامه جهاد، تا پیروزی دادم. در بخش سوم، به این نکته اشاره می‌فرمایند که: ما در آغاز اسلام برای پیشرفت این آیین مقدس، حتی با نزدیکترین بستگان خود که در صف کفر، قرار داشتند جهاد کردیم، ولی اکنون در برابر ما برادران مسلمانان هستند که به راه خطا رفته اند و شرایط به گونه دیگری است. لذا نخست باید از آنها رفع شبهه کنیم. امیداست مشکل حل شود.

ببینید، بایستی دامنه تبلیغات در جهت افزایش شور و شوق در مردم باشد. بایستی مردم را ترغیب کرد که بیشتر کار کنند، بیشتر زحمت بکشند، برای هر محصول جدیدی که به بازار می‌آید، آماده بوده و آنرا بخرند. قالب تبلیغات باید رنگ و لعابی وصف ناپذیر داشته باشد. محیط کاملاً لاکچری، بازیگران زیبا، همگی خندان و خوشحال باشند. میبایست همه این خوشبختی‌ها در قالب یک زندگی سرمایه‌داری به مخاطب القا شود. حالا که قالب آماده شده تا حس حرکت در مخاطب ایجاد شود، نیازش را به رُخش می‌کشیم. و او شروع به حرکت می‌کند، می‌دود، شب و روز تلاش می‌کند تا بتواند به آن زندگی برسد. وظیفه بخش تبلیغات این است که این حرکت را بیشتر و پر رنگ‌تر کند. باید نشان دهد که زندگی سرمایه‌داری بسیار جذاب است، باید ذهن مخاطب به این سمت برود که پول ارزش است و سرمایه‌داران با ارزش‌ترین انسان‌های دنیا (که به جدّ نیز اینگونه است). آن وقت است که دیگر مردم با ما مشکلی نخواهند داشت و همه راضی خواهند شد.

نکته دیگری نیز وجود دارد، اگر مخاطب به نیازهایش با یک محصول قدیمی جواب می‌دهد، نباید او را رها کنید، اگر نمی‌توانید نیازش را برطرف کنید، برای او

نیاز بسازید. مثلاً در تبلیغات نشان دهید که وجود سس مایونز در خانه او از واجبات است و اگر نداشته باشد، زندگی‌اش تلخ می‌شود، چرخش نمی‌چرخد و عاقبت سیاهی در انتظار اوست. در واقع باید به او القا کنید که هم باید چرخ زندگی‌اش بچرخد و هم چرخ سس مایونز! اگر در یک کلام بخواهم وظیفه تبلیغات را بگویم؛ تولید حس نیاز، پاسخ به آن، با ارزش کردن سرمایه‌داری و نگه داشتن دائمی مردم در کار کردن به صورت شبانه‌روزی بخش دوم برای من خیلی جذاب است. تخیل می‌خواهم بخش تخیل و هنر را با هم بگویم. ایجا دیگر قرار نیست همه چیز را مستقیماً و با زرق و برق در چشم مخاطب فرو کنیم. این قلمرو بسیار حساس است، با ناخودآگاه انسان‌ها سر و کار دارد و میبایست با دقت آنرا تکمیل کرد. خوبی این حیطه این است که کسی نمی‌تواند مستقیماً تو را متهم کند و ممیزی به تو بزند. حتی اگر یک کارشناس سینما هم این را فهمید و آنرا داد زد، باز برای مردم عادی قابل درک نیست و تو نیز لازم نیست نگران باشی. تنها به ساخت موضوعات هنریت ادامه بده. علاوه بر موارد بالا، همه تو را دوست دارند، حتی کسانی که تو در لایه‌های فیلمت آنها را به خواری می‌کشی نیز، برای تو دست می‌زنند، که ۲ دلیل میتواند داشته باشد. یا نمی‌دانند و یا نمی‌توانند تو را نادیده بگیرند.

برگ برنده در داستان ماست، همچنان با من و اساتیدم همراه باشید.





درس تجربه

نویسنده: متین خورشیدی

یکی از حربه‌های شیطان بحث بی تجربه‌ی انسان است؛ شیطان می‌آید از یک ابزار، راه فریب خوبی می‌سازد.

شیطان وقتی می‌خواست حضرت آدم را فریب دهد، یک راه بیشتر نداشت، همان درخت ممنوعه، زیرا ابزار دیگری نداشت. کار برای حضرت آدم آسان بود ولی برای شیطان کار به نسبت سخت‌تر بود. اما قضیه برعکس شد شیطان از این ابزار استفاده کرد. الان ابزارها زیاد هستند، اما شیطان آن زمان با یک ابزار کار خودش را انجام داد و از بی تجربه‌گی و غفلت آدم شروع کرد. خدا می‌گوید «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ» ما اسماء را به آدم گفتیم، یعنی آدم علم داشت ولی تجربه نداشت، یعنی خدا می‌خواهد بگوید به علم خودت نیاز، درست است علم نیاز است اما تجربه هم نیاز است، ببین و از حضرت آدم عبرت بگیر! مسجود ملائکه بود اما چون تجربه نداشت فریب شیطان را خورد. خدا اینجا اهمیت تجربه در آیات قرآن را به ما نشان می‌دهد.

امام خمینی از تجربه آیت الله کاشانی که نتوانست خوب موفق شود و از تجربه مشروطه که اختلاف بین مردم و علما افتاد، استفاده کرد وگرنه به همان سرنوشت دچار می‌شد.

تجربه نشان داده اگر از آن استفاده کنید پیروز هستید. تجربه نشان داده که آمریکا و اروپا قابل اعتماد نیستند. تجربه نشان داده که تفرقه‌ای که بین خود علما در مشروطه افتاده بود نتوانست برای کشور مفید واقع شود. حتی برخی جاسوسان در زمان مشروطه به برخی علما نزدیک شدند تا جایی که وقتی میرزای شیرازی حکم تحریم تنباکو را داد یکی از علما این حکم را قبول نکرد و به طور

ادامه صفحه بعد



شکست خوردند را تکرار نکنیم، ما این راه بی حجابی و امثال اینها را نرویم.

آنهايي که دلباخته غرب هستند که غربی‌ها بیایند در ایران و آبادانی با خود می‌آورند. از تجربه استفاده کنند که غربی‌ها رفتند وارد هند شدند اما فقط زبان هند را تغییر دادند، الجزایر نیز اینچنین، کشورهای آفریقایی همچنین، اکثراً زبانشان؛ فرانسه و انگلیسی و پرتغالی است به خاطر همان استعمارهایی که شده بود اما کجاست پیشرفت و تکنولوژی؟! در هند مردم همچنان به مجسمه‌های انگلیسی احترام می‌گذارند، درد از این بالاتر که الان سربازان انگلیسی نیستند اما همچنان به آن مجسمه‌ها احترام گذاشته می‌شود.

دوستان ما چون بحث‌های تاریخی را متأسفانه نمی‌خوانند، از این زمینه‌ها غافل می‌شوند. کتابی است به نام "صلحی که همه ی صلح ها را بر باد داد" در مورد تجزیه عثمانی بعد از جنگ جهانی اول است، حتما این کتاب را بخوانید تا بدانید کار اگر به کشورهای غربی بیفتد، کار یک کشور مسلمان به کجا می‌رسد و باید بله قربان گو باشد. تاریخ به انسان عبرت می‌دهد حواسمان جمع باشد بی هویت نشویم.

ادامه دارد ...

آشکارا تنباکو می‌کشید. تجربه‌ی سال هشتاد و یک تا هشتاد و سه، زمان آقای خاتمی، به ما نشان داد که اروپا قابل اعتماد نیست، در آن زمان آقای حسن روحانی مسئول مذاکرات ما بود، با کشورهای انگلیس و فرانسه و آلمان قرارداد بست، ولی زدند زیرش! پس تجربه نشان داده اروپا قابل اعتماد نیست که دوباره می‌خواهید از اینها تضمین بگیرید. نه آمریکا قابل اعتماد است نه اروپا! از این تجربه ها استفاده نشود کار به شکست می‌انجامد.

بی‌تجربگی کار را به جایی می‌رساند که انسان از بهشت هم اخراج می‌شود، مثل حضرت آدم. پس هر کسی در این دنیا تجربه‌اش بیشتر باشد، قطعاً عبودیت و اطاعت خدایش هم بیشتر می‌شود. شیطان از بی‌تجربگی حضرت آدم استفاده کرد، قسم دروغ خورد، حیا را از حضرت آدم گرفت و عورتش معلوم شد. حیا و هویت را از حضرت آدم گرفت.

پس عدم استفاده از تجربه، فقط بیرون رفتن از بهشت نیست، حتی کار به بی‌هویتی و بی‌حیایی هم می‌کشد. ما از تجربه غرب در نشر بی‌حجابی و نشر آرایش و امثال اینها استفاده کنیم؛ آنها این راه را رفتند کارشان به بن بست رسید. پس الان وقتش است که ما از این تجربه غرب استفاده کنیم، راهی که آنها رفتند و در این راه





اندر خم کوچه های مجازی

نویسنده: علی عمرانی

به سالن امتحانی راه تون بدیم؟! یاد تونه می گفتن گوشی ببینیم صورت جلسه میشه؟! الان نه از تون کارت ورود به جلسه می خوان، نه غلاف کردن گوشی. تازه استفاده از جزوه و لپ تاب و کتاب و هندزفری و انواع و اقسام امکانات صوتی تصویری و رفاهی سر جلسه امتحان فراهمه. کی فکرشو می کرد؟! امتحان بدی و صورت جلسه رو امضا نکنی. چه استرسی میداد همین مسائل کوچیک!

خلاصه که همین دو ترم مجازی تازه داشت کیان دانشجو رو به دانشگاه ها برمی گشت، و دانشجو قوام شخصیتش را باز می یافت که اداره ی آموزش دانشگاه اجازه رو بهش نداد و به اساتید عظام اجازه داد تا با هر فتوایی دانشجو رو خفت بدن. اونا هم فروگذار نکردن و یه جوری گذاشتن تو کاسه مون که نگو. ما که تازه از آموزش مجازی خوش مون اومده بود و کیف می کردیم؛ یهویی نمرات مونو زدن و هر لذتی زهرمون شد. هرچند که بودند دانشجویایی که با تقلب جولون می دادن و این سخت گیری های مفرط جوری دور میزدن که ایران تحریم های آمریکا روا!

یه تشکر هم از اساتید شریفی که وجودشون هر استرسی رو رفع می کرد و در عین اینکه مطالب سخت رو سهل و ساده منتقل کردن، و سعی داشتن فشار روحی از دوش دانشجو بردارن تا مصیبت دوتا نشه. خدا عوض همه رفتارها رو میده. چه اونی که تموم تلاشش رو کرده تا وظایفش رو به نحو احسن انجام بده، و چه اونی که تموم تلاشش رو کرده تا تظاهر کنه وظایفش رو همگی انجام داده (البته دانشجو جماعت از این قضیه مستثناست، چون جز خدا استادها هم تو ارزیابی شون دخیلن)

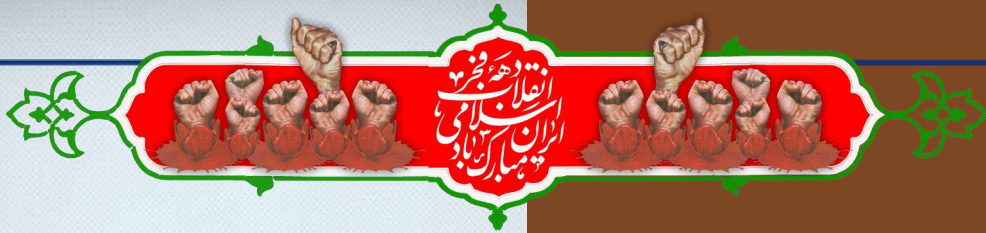
من از شما می پرسم، بده نیم ساعت با تاخیر بری سر کلاس، و استادی که همیشه ی خدا زهر ماره هیچی نگه؟ یواش یواش یه گوشه آنلاین شی، با تاپ و شلوارک بشینی جیکت هم در نیاد؟! شک نکنین اگه آموزش حضوری بود با کراوات هم می رفتی راحت نمی داد! از این گذشته، همیشه اساتید می گفتن باید قبل از من سر کلاس باشین و گر نه راه تون نمی دم...

سر کلاس شونم نمی شد به گوشی نگاه کنیم حتی؛ استاد هی می گفت گوشیتو جمع کن حواست به کلاس باشه. هست دیگه استاد، هست؛ یکی از ویژگی های مغز انسان توانایی و کشش انجام چندین پروسه ی همزمانه! شما نمی تونین؟ به من چه... ولی این دو ترم دعوا مون هم میکنن که چرا سر کلاس دست مون به گوشی نیست و آنلاین شدیم سیستم رو گذاشتیم به امون خدا و خودمون رفتیم.

ولی دیگه چی از این بهتر که نمی خواد هی قبل از کلاس خودتونو توی آینه یا دوربین گوشی و رانداز کنین که ببینین چطور ی بنظر میان؟! دیگه ضرب المثل: «زشت رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است» هم منسوخ شده و رو کسی کارایی نداره. استاد هم بگه وبکم تونو روشن کنین میگین: «ول کنش به چشم اتصالی کرده خراب شده» و تمام.

ولی ابوالفضلی، میکروفون رو روشن نذارین وقتی با خانواده حرف می زنین. ما از تون شخصیت که هیچ، بت ساخته بودیم تو ذهن مون. با اصطلاحاتی مامان تون صداتون میزد گند زدین به تفکرات مون؛ پینگلی فینگلی اخه؟! مگه گوریل انگوریه؟

یاد تونه چقدر می گفتن کارت دانشجویی و ورود به جلسه روبیارین تا



غبار روی شیشه

نویسنده: محمد امین میرشکاری

این روزها شاید برای خیلی از شماها پیش اومده که بخاطر استفاده از ماسک، روی شیشه عینکتون بخار میشینه و این اذیتتون میکنه. چرا؟ چون نمیتونید درست از قاب شیشه عینک بیرون رو ببینید! از این کلافه میشید که هی باید غبار روی شیشه رو با دستمال پاک کنید و بازم...

این کلافگی از پاک کردن غبار روی شیشه عینک این روزا مصادیق زیادی تو جامعه پیدا کرده. ماها بجای دیوار، از شیشه‌ها استفاده می‌کنیم تا دیگه چیزی مبهم نباشه. همه چیز شفاف شفاف شفاف.

اما بعضی وقتا هم از این پیدا بودن همه چیز خوشمون نمیاد. مثلاً شیشه ماشینمون رو دودی می‌کنیم تا کمتر حریم خصوصیمون مشخص باشه. یا پشت پنجره پرده رو می‌کشیم که خیلی همه چیز معلوم نباشه.

القصة، حکایت غبار روی شیشه، حکایت امروز و دیروز نیست. خیلی وقته که یه غبار بزرگ روی شیشه‌های بهارستان نشسته و شاید حالا وقتشه که اساسی پاکش کرد. اما یه عده دوست ندارن که همه چیز شفاف شفاف شفاف باشه. همونایی که قبل انتخاب توی نماز جمعه بین مردم مینشستن و بعد از نماز با ماشین شیشه دودی میرفتن خونه. این غبار خیلی وقته که روی شیشه عینکيه که قبل انتخاب روی چشم مردم می‌زارن و بعد انتخاب دیگه غبار تبدیل شده به یه لکه‌ای که به این راحتیا پاک نمیشه.

خلاصه که همه اینا رو گفتیم تا به این برسیم که طرح شفافیت آرا نمایندگان توی مجلسی که شعار کاندیداش شفافیت بود رای نیاورد.

چرا؟

چون یه عده میترسن از اینکه مردم بفهمن واقعا به کی رای دادن. یه عده میترسن که شفاف باشن، میترسن که پاسخگو باشن؛ پاسخگو به کسانی که پا رو شونشون گذاشتن و وارد مجلس شدن. شاید یه عده یادشون رفته که اینا نماینده همین مردمن. نه قیّم مردم.

«چی رو از مردم پنهان می‌کنید!!»



تویتر

POU

@Pou_enghelabi



اگه یه وقت کروی کرونا گرفت، نیاین هشتگ واکسن بخريد بزنین، چون ايشون ميتونست تو اين اوضاع مهمونی نره يا حداقل ماسک بزنه...



Twitter for Android u00B7 ۲۱ فوریه ۰۶۰۱۷:۳۳

میثم مطیعی

@meysammotiee1



گویا رسالت و مأموریت #علی_انصاریان در این دنیا، نشان دادن ملموس و دلنشین احترام و قدرشناسی نسبت به مقام «مادر» بود. خدایش بیامرزد و با خوبانش محشور کند.

Twitter for Android u00B7 ۲۱ فوریه ۰۳۰۲۰:۴۹

حسن عباسی

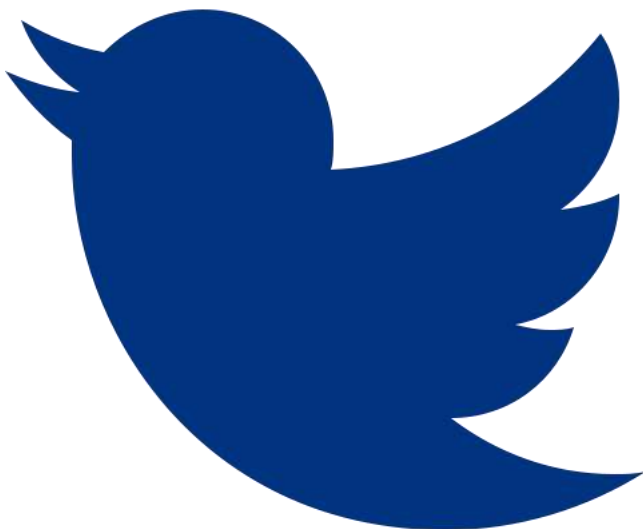
@hasan_abbasi



خب ! برجام که مرده است. در پسابرجام آمریکا ابتدا #یو_ترن و #ایسا و #کاتسا را رفع کند، بعداً از بازگشت سخن بگوید.

Translate Tweet

22:28 · 05 Feb 21 · Twitter for Android



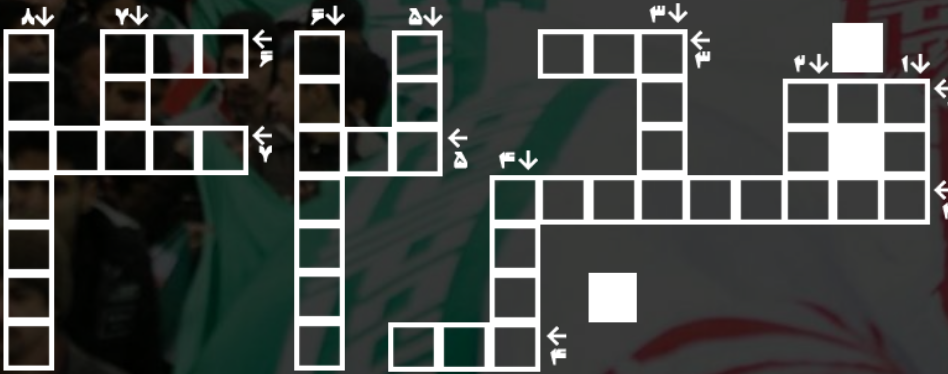


ضمن تبریک و شادباش دهه فجر، دانشجویان عزیز می توانند با رسم جدول، پاسخ به سوالات آن و ارسال از طریق واتساپ به شماره ۰۹۱۷۲۳۵۲۲۵۰ یا به صفحه اینستاگرامی ما به نشانی @pguavini در مسابقه شرکت کنند. در پایان به سه نفر از برگزیدگان جوایز نقدی اهدا خواهد شد.

افقی:

- (۱) مخفف سپاه (۲) پیر جماران (۳) سید محرومین (۴) سرزمین اسارت (۵) ماه انفجار دفتر ریاست جمهوری (۶) سرشک (۷) تغییر رژیم با اهرم نظامی عمودی:

- (۱) سرویس اطلاعاتی آمریکا (۲) پرنده ی خوشبختی (۳) دیکتاتور اعدامی (۴) تک (۵) نماینده ی ترور شده ی تهران (۶) شیخ اشراق (۷) تابوت بنی اسرائیلی (۸) کاخ موزه ی قاجاری



روزهای انقلاب

نویسنده: مری هگلند

مترجم: میترا دانشور

ناشر: ترجمان

راوی: حسین اسلامی

مری هگلند در تابستان ۱۳۵۶، بی خبر از تحولات مهمی که کل ایران را زیر و زبر می ساخت، پا به روستایی کوچک در حوالی شیراز گذاشت. او ۱۸ ماه در ایران ماند و تنها پژوهشگر آمریکایی بود که از نزدیک انقلاب اسلامی را مشاهده کرد. روزهای انقلاب روایت تجربه های روزمره هگلند در این روستاست که نشان می دهد چگونه مردمی عادی و دور از سیاست پا به جریان انقلاب اسلامی ایران گذاشتند و در خلال ماجراهای انقلاب و پس از آن متحول شدند. بخش انتهایی کتاب هگلند درباره دیدار مجدد او از ایران، پس از گذشت چند دهه از انقلاب، در سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ است.

